

سرمقاله

مثل دیگران هستیم



سیدمصطفی هاشمی طبا

یک بار دیگر فاجعه تکراری مسافرت به شمال کشور که هر سال در بین تعطیل‌ها و تعطیلات مراسم مختلف تکرار می‌شود، این بار در ایام سوگواری‌های پایان صفر اتفاق افتاد. شاید که دولت می‌خواهد در ایام سوگواری مردمی را که به شمال می‌روند متالم و متأسف کند تا جریمه مسافرت در ایام سوگواری را بپردازند. راه‌اندازهای متمادی، حرکت از شانه خاکی، صف‌های طولیل برای بنزین، بنزین‌نداشتن برخی جایگاه‌ها، نبودن دستشویی عمومی، رستوران‌های پرازدحام و اغلب کثیف، تعمیرگاه‌های بی حوصله، انبوه زیله در همه‌جا، رعایت‌نکردن مقررات و شیوع پرخاشگری، بی‌بندوباری برخی افراد از همه نوع حاصل‌تدبیر دولت‌های گذشته درباره این نوع مسافرت‌ها و احتمالاً تدبیر نداشتن دولت چهاردهم به خاطر ضیق وقت است؛ هرچند بعید است این دولت بتواند در این زمینه تدبیری بیندیشد، چون احتمالاً خواهند گفت اتوبان تهران–شمال تکمیل می‌شود و مسئله حل خواهد شد و صد البته باید بدانند نه اتوبان تکمیل می‌شود و نه با تکمیل آن این مسائل حل خواهد شد. همه این اوتومبیل‌ها چه در حرکت‌های سریع یا بسیار کند، یا در توقف‌ها و راه‌اندان‌ها یا در صف تهیه بنزین یا در تفحص برای پایدکردن جای پارک مشغول یا در سوزاندن بنزین هستند و دولت (بخوانید دولت‌ها) در کوشش برای تولید بنزین حتی با کیفیت پایین و واردات آن هستند، به طوری که امسال قرار است شش میلیارد دلار بنزین وارد شود. ما برای آنکه شش میلیارد دلار پول خود را از کره جنوبی بگیریم، چه ناراحتی‌هایی را متحمل شدیم، آخر هم نفقه‌میدیم این پول که بیش از یک میلیارد دلار آن هزینه نگهداری از آن شده است، چه بلایی بر سرش آمد و چه شد. حال خیلی راحت شش میلیارد دلار بنزین وارد می‌کنیم.حقیقت آن است که دولت‌مردان ما نه ارزش دلار را می‌فهمند، نه حقیقت را به مردم می‌گویند. روزانه چند میلیون لیتر بنزین از ایران به صورت قاچاق صادر می‌شود، کالایی که تولید آن انحصاراً در اختیار معاونت بخش و بالایش وزارت نفت است. شوهه‌های قاچاق متراکم آن گاهی از صداوسیمای ملی پخش شده است و هیچ‌کس نیست بگوید این حجم از بنزین چگونه به قاچاقچیان داده می‌شود. مگر می‌توان از پمپ بنزین‌ها یا کارت‌های بنزین این حجم را تأمین کرد. به یقین وزارت نفت از محل تأمین این حجم بنزین قاچاق آگاه است اما به مردم نمی‌گوید. زیرا مصلحت نیست و چنین است که مصلحت‌ها حقیقت‌ها را دبیخ کرانده‌اند.

آقای دکتر پزشکیان هم که قرار است صادقانه با مردم روبه‌رو شود و حقیقت‌ها را بگوید، نخواهد گفت، البته بخشی از حقایق را خواهد گفت اما بخش‌های بسیاری را که مردم نباید بدانند، نخواهد گفت و البته در آن بخش از بیان صادق است. این چه سیاستی است که کارخانجات ما برای تولید ارز ندارند ولی هرکس که اوتومبیل دارد، هر مقدار که بخواهد می‌تواند بنزین مصرف کند. این چه عدالتی است که عموم مردم بدون اوتومبیل، فاقد اوتوپوس شهری هستند و در مترو و اتوبوس مثل خرما به هم چسبیده‌اند ولی یک نفر با یک اوتومبیل دو هزار کیلویی هرچه بخواهد بنزین می‌تواند مصرف کند و به خاطر جابه‌جایی وزن ۸۰ کیلویی، دو هزار کیلو اوتومبیل را جابه‌جا کند. می‌گویند اگر سهمیه‌بندی شود، فساد رخ می‌دهد، آری ممکن است فسادهای جزئی رخ دهد، درحالی‌که در شرایط فعلی فساد انبوه رخ می‌دهد. فساد انبوه را قبول داریم ولی از فساد جزئی می‌هراسیم. اما فساد انبوه و کلان کدام هستند.

- ضایع‌کردن شش میلیارد دلار درحالی‌که می‌توان صرف ناوگان عمومی کرد.
- عدم صادرات بنزین درحالی‌که می‌توان با ارز حاصل از صادرات به بهبود ترابری کمک کرد.
- جلوگیری از قاچاق بنزین و قطع دست واسطه‌های قاچاق
- آلوده‌شدن هوای شهرها
- اتلاف میلیارد‌ها ساعت وقت مردم
- مصرف روغن، لاستیک و قطعات یدکی و افزایش تصادفات
- اقتصاددانان و دولت‌مردان خواهند گفت کدام کشور سیستم سهمیه‌بندی دارد؟ می‌گوییم کدام کشور ۴۰ سال فضای جنگ با آمریکا دارد؟ کدام کشور مورد تحریم آمریکا و اروپاست؟ کدام کشور با شبکه بانکی دنیا بیگانه است، کدام کشور به جبهه مقاومت و مبارزه با اسرائیل و امریالیسم کمک می‌کند، کدام کشور مرزهایش باز است و بر آن کنترل ندارد، در کدام کشور حجم پول در دست مردم مانند ایران است، کدام کشور با قیمت یک لیتر بنزین آن از سوئیدمارکت چیزی نمی‌توان خرید؟ کدام کشور اوتومبیل‌های فرسوده را از بازار خارج نمی‌کند، کدام کشور سالانه یک میلیون اوتومبیل برپصرف به بازار عرضه می‌کند.

روزنامه

پنجشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۳
۱۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۶
۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۲۸
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

فرارسیدن ولادت پیامبراکرم ص و امام جعفرصادق ناز شیریک می‌گویم

شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید:
اصلاحات احتمالی به کنکور سال آینده نمی‌رسد • چرا واردات خودرو، به زیان جامعه است؟ • آلبانی؛ چالش وزیر و رئیس ایرانی

بعد از حمله به پیجرها، بی‌سیم‌ها و لپ‌تاپ‌ها در سیبل آتش افروزی اسرائیل قرار گرفتند

ترور؛ بیماری اسرائیلی

گزارشی از واکنش‌ها به عملیات تروریستی اسرائیل و محکومیت جدی این اقدام غیرانسانی

شرق؛ دور تازه‌ای از انفجارها دیروز در لبنان به وقوع پیوست که مربوط به پیجرها نبود و در اخبار اولیه سخن از انفجار بی‌سیم‌ها بود، اما با ادامه اخبار انفجارها گزارش‌ها نشان داد که دستگاه‌های الکترونیکی منفجرشده در لبنان تنها به برخی بی‌سیم‌های دستی محدود نیست. بلکه تجهیزات الکترونیکی مختلف مانند لپ‌تاپ، گوشی‌های تلفن همراه آیفون و حتی پتل خورشیدی خانه‌ها نیز منفجر شده‌اند. در ادامه خبرگزاری لبنان از شهادت سه نفر بر اثر انفجار دستگاه‌های بی‌سیم خبر داد.المیادین گزارش‌ها درباره انفجار در بیروت را تأیید کرد و گفت چند دستگاه ارتباطی دیگر در بیروت و در چند منطقه لبنان منفجر شده است. برخی منابع عربی نیز مدعی شدند: هم‌زمان با تشییع

گزارشی از فعالیت‌های قطر برای تبدیل شدن

به مهره کلیدی بازار انرژی و تلاش معکوس ایران برای واردات گاز

پارس جنوبی، بازنده تحریم

صفحه ۴

یادداشت

راز بوسه بر توسکا در محوطه دانشگاه تهران



ترانه بلدا

معمار و شهرساز

دانشگاه تهران و دو نفر از رؤسای دانشکده‌های معماری و شهرسازی نامه‌ای به آقای دکتر جابر سلطانی، مدیرکل طرح‌های عمرانی و پشتیبانی دانشگاه تهران، نوشته بودند که در آن با اشاره به احداث بناهای مرتبط با نمازجمعه در محوطه مرکزی دانشگاه محجوبانه خواستار توقف و خودداری از هرگونه اقدام ساختمانی قبل از اخذ مجوزهای رسمی و قانونی شده و با احترام و ملاحظه یادآور شده بودند: «همان‌طور که مستحضردی بنای دانشگاه (تهران) در زمره آثار ثبت‌شده ملی است و مطابق قانون احداث یا گسترش یا تغییر در اعیان و عرصه آن مستلزم بررسی و اخذ مجوز رسمی وزارت میراث فرهنگی… است. مزید استحضار، دانشگاه تهران در فهرست موقت ثبت میراث جهانی نیز قرار دارد». و چنین ادامه داده بودند که «ایجاد سه بنا به مساحت هریک ۱۶۰ متر مربع، این هم در مکانی حساس، نیازمند دخالت‌های کارشناسی حوزه فنی دانشگاه است و مسئولیت باید از سوی مقامات دانشگاه صادر و تفویض شود» و الی آخر… واضح است که چنین نامه‌ای بدون هیچ انعکاس بیرونی، بعد از بیش از سه هفته بی‌پاسخ می‌ماند. و اگر تلاش‌های روزهای اخیر صورت

یادداشت

وفاق ملی و قرارداد مدینه‌النبی



جعفرحمان زاده

زوجه و خواشن‌های گوناگونی از آن ارانته شود. بعضی از آن به ائتلاف بین گروه‌ها و جناح‌های سیاسی درون حاکمیت تقلیل داده و یا به وحدت و همدلی همه ارکان مدیریتی نظام از قوای سه‌گانه تا دیگر نهادهای محدود کردند. پیداست رفع و دفع هرگونه تخصّص ستیز بین جناح‌ها و گروه‌های سیاسی و یا همدلی و هماهنگی بین بخش‌های حاکمیت امری میمون و مددوح است. ولی موضوع «وفاق ملی» گسترده‌تر و عمیق‌تر از آن است که تا سطوح پیش‌گفته، تنزل داده شود. ایده طرح وفاق ملی از آن منظر موضوعیت پیدا می‌کند که جامعه با انواع مشکلات روبه‌رو شده باشد و سبب ناترازی و بی‌تعادلی در این حوزه‌ها شود. به گونه‌ای که مهم‌ترین سرمایه‌بر حاکمیت و نظام سیاسی، یعنی «اعتقاد عمومی» آسیب دیده و مخدوش شود. با تاسف فارغ از اینکه دآوری و یا موافقتی با «پیمایش ملی ارزش‌ها و نکرش‌های ایرانیان» که از سوی

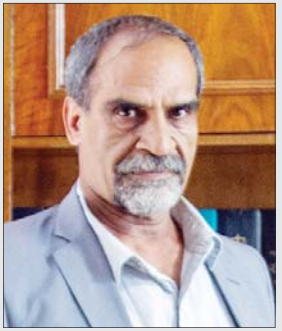
شرق

یادداشتی از صالح نقره‌کار

من طرف حقیقت

می‌ایستم؛ چشم‌اندازی از

استاد نعمت احمدی



برگزیده‌ها

روایتی از سفر به مشهد و مشکلاتی که انگار تمامی ندارد

قطار ۸ صبح به مقصد پایتخت

گزارش «شرق» از مجرای مجازات برخی روزنامه‌نگاران و فعالان دانشجویی با غیرفعال کردن سیم‌کارت

تنبیه با مسدودکردن سیم‌کارت

رقابت امانتول مکرون و اولاف شولتس در سقوط نژاد افکار عمومی

رهبرانی که

دیگر محبوب نیستند

نگاه

زبان عاشقی

یادداشتی از احمد مسجدجامعی

کنفرانس خبری

با حاشیه‌هایی مهم‌تر از متن

یادداشتی از مجید سعیدی

یادداشت

سپر وفاق



امیرعباس نخعی

روزنامه‌نگار

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود گفت که «ابریزوه سن ایجاد امید و دوباره مردم را به صحنه آوردن است». حتما چنین است، اما چگونه؟ این شاید مهم‌ترین وظیفه‌ای است که بر عهده رئیس‌جمهور قرار گرفته و به‌خوبی هم از آن مطلع است. از سوی دیگر سیل کارهای اجرایی و مسائل مربوط به اداره کشور ممکن است شناخت راه‌های اصلی و فرعی را دشوار کند. متأسفانه سرعت حرکت در بدنه دولت کند است و گویی وزرا و حتی شخص رئیس‌جمهور برای انجام تغییر و تحولات در معدوریت با کندی حرکت قرار دارند. سیستم نخاع مرکزی دولت دچار مشکل است و تصمیم‌گیری‌ها سخت و بدون شجاعت کافی انجام می‌شود. این سخنان منافاتی با دولت وفاق ندارد.کسی با وفاق مخالف نیست، اما معنای تشکیل دولت وفاق استفاده از مهره‌های سوخته و امتحان‌پس داده هم نیست. دولت باید تغییر مدیران کلیدی را جدی بگیرد و نشان بدهد که پیام تغییر را شنیده است. اگر

به اسم وفاق بنا بر آن باشد تا در پست‌های کلیدی همچنان چهره‌های سوخته و امتحان پس‌داده در جای خود باشند و با سیستم جدید همکاری نکرده، بلکه سنگ‌اندازی هم بکنند و در بر همان پاشنه بچرخد، دیگر چه نیازی به تغییر و تحول بود. ظاهراً توصیه رئیس‌جمهور از یک سو، برای عدم عجله در تغییرات و از سوی دیگر عدم تغییر لازم در گلوگاه‌هایی، کار را با دشواری توأم کرده است. در صورتی که در این تغییرات می‌توان از چهره‌های اصولگرایی کارآمد، جوان و متخصص غیرمارک‌دار نیز استفاده کرد و این در تضاد با دولت وفاق نیست. بسیار بایستند است که وزیری در وزارتخانه‌ای، رئیس یک سازمان ملّاً روابط عمومی را تغییر داده و چهره جدید جایگزین می‌کند (بگذریم از آنکه همین رئیس جدید جرئت انتخاب معاون متناسب برای خود را ندارد چراکه مانعی به نام وفاق را در پیش‌رو دارد)...

نمی‌گرفت و آن اتاق‌های بزرگ ساخته و بهره‌برداری می‌شدند. آن‌گاه گله از رئیس دانشگاه به‌حق می‌بود که چرا ساکت مانده است.داستان این است که تا وقتی همه مردم یک شهر یا یک مملکت به اهمیت برخی فضاهای شهری و مکان‌های مهم نمادین و مشخص بی‌نبرده باشند، باید منتظر این غافلگیری‌ها باشیم که چند نفر بدون علم و آگاهی هر روز در گوشه‌های آتش به اختیار تصمیم بگیرند و بلایی بر سر شهر بیاورند. یک روز محله تاریخی عودلاجان را سرتاپا زرد و آبی و بنفش رنگ برزنند و…در اینجا باید یادآوری کنم قصه پرسوز و گداز دیگری را درباره پروژه توسعه دانشگاه تهران که برخلاف این سه اتاق بزرگ اما ناپیژ، تخریب سه بلوک بزرگ شهری اطراف دانشگاه را نشانه رفته بود و به همت جمعی دیگر توانست به‌موقع متوقف شود. انگار دستی پنهانی سر بزرگه به یاری و حفاظت از این کالبد ارزشمند ۹۰ساله می‌آید تا نسل‌های آینده ببینند و بدانند که این کشور با تمدن باستانی، پیشرفت خود در «دوران مدرن» قرن گذشته را مدیون چه فضای معماری باشکوهی بوده است. پروژه گسترش احداث ساختمان‌های بلند متعددی را تحت عنوان فضاهای علم و فناوری و خدماتی برای اطراف محوطه دانشگاه تهران (از شرق تا خیابان وصال، از غرب تا کارگر شمالی، و از شمال تا بلوار کشاورز) تدارک دیده و توانسته بود طی حدود ۲۰ سال در سکوت کامل رسانه‌ای، مثل خوره تمام بافت‌های اطراف محوطه دانشگاه را بچود و بی‌رحمانه منظر نگه دارد تا بالاخره با اعتراض دانشجویان، اهالی، اعضای شورای پنجم، فعالان مدنی و مهیتر از همه دکتر فرانسه صادق (که امروز به خاطر همین شجاعت‌ها و دلسوزی‌هایش به مقام وزارت راه و شهرسازی رسیده است) ختم به خیر و جلوش گرفته شود.

راز بوسه گیاه‌شناس ما بر توسکا همین آموزه بود.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت، داشته باشیم، برخی از داده‌های آن حاکی از وجود شکاف ملت - دولت (نه به معنی قوه مجریه) است. در یکی از این داده‌ها، ۷۰ درصد از پرسش‌شوندگان به سیاست‌مداران اعتماد نداشته و با ارقام مشابه به کارایی ارکان حکومت و رسانه‌های رسمی و غیررسمی بی‌اعتماد هستند و در نهایت پاسخ کرده‌اند که به همدیگر اعتماد ندارند. آقای پزشکیان به درستی در گام نخست، پایان‌بخشی به منازعه در عرصه مدیریت کلان و سوگیری شایسته قوا را در عمل به سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز و برنامه پنج‌ساله ترسیم کرده‌اند. بدون شک در این مرحله با توافق و اجماع بر روی آنها، می‌تواند بستری تمهید شود تا کشور از جنبه مدیریت‌های سلسله‌ای، جناحی و باندى رها شده و زمینه برای برداشتن گام‌های بلندتر در جهت ترمیم شکاف‌های پیش‌گفته تسهیل شود. با تأکید بر محورهای سه‌گانه «اجماع‌آفرین» و «وفاق‌ساز»، از این پس طرح هرگونه مسائلی ولو با تشکیل فراکسیون‌های قومی، جغرافیایی که موجب تبعیض بین مناطق می‌شود، رنگ باخته و تخصیص منابع فیزیکی و انسانی بر اساس شاخص‌های عادلانه حساس، نیازمند دخالت‌های کارشناسی خواهد بود. ۷۰ درصد پرسش‌شوندگان از وجود تبعیض، بی‌عدالتی سیاسی و حقوقی و عدم برخورداری از حقوق برابر سخن گفته‌اند. به گمان من مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده وفاق ملی می‌تواند در موارد ذیل صورت‌بندی شود.
۱- استقلال و تمامیت ارضی
۲- هویت ایرانی و اسلامی
۳- آزادی
۴- عدالت
۵- قانون‌مداری، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصل نهم هرگونه دوگانه‌سازی و تفکیک بین آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی را به صراحت نفی کرده است. به گونه‌ای که هیچ فرد و مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشهای وارد کند و در مقابل هیچ مقامی هم حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، ولو با وضع قوانین و مقررات سلب کند و یا هرگونه قطعی‌سازی بین ایرانیت و اسلامیت مغلّی‌بر با وفاق ملی است.